

نامه انسان‌شناسی
دوره اول، شماره اول
بهار و تابستان ۱۳۸۱، صص. ۱۷-۳۱

شیوه‌های اخذ مالیات در مناطق از عشایر لرنشین ایران

جواد صفی‌نژاد*

چکیده

گرفتن مالیات در تمام دوره‌های تاریخ ایران از سکنه شهرها، روستاها و عشایر همه مناطق متداول بوده‌است. با این وجود شیوه جمع‌آوری مالیات‌ها منطبق با محیط و فرآورده‌های محیطی و ارزش محلی آن‌ها متغیر بوده‌است. در پهنه سکونت عشایر لرنشین به دلیل گستره زیاد آن، طبیعی‌است که شیوه جمع‌آوری مالیات‌ها بسیار متفاوت باشد. زیرا فرمانروایان، والیان، کلاتران و سرپرست‌های مناطق مختلف دارای سیاست واحدی نبوده‌اند. بررسی تاریخ اجتماعی این مناطق نیز این گوناگونی سیاست‌ها را تأیید می‌کند. آنچه مسلم است، این است که این مالیات‌ها به دو صورت نقدی و جنسی جمع‌آوری می‌شده‌اند. در این میان چون گردش حجمی پول در عشایر نسبت به شهرها و روستاها بسیارکند و کاربرد آن بسیار کمتر بوده‌است، از این رو مقدار مالیات را نسبت به فرآورده‌های کشاورزی و دامی عشایری تعیین می‌نمودند. متسهی به شیوه محلی بر روی هرواحد از فرآورده‌ها، ارزش پولی نیز می‌گذاشتند که به سهولت به هم تبدیل و مقدار مالیات بنا بر رضایت توده‌های عشایری نقدی و یا جنسی قابل پرداخت باشد. در جمع‌آوری مالیات قدرتمند بودن و یا نبودن سران و رهبران درمقدار مالیات تأثیر فراوان داشت. تمام شواهد نشان‌دهنده این واقعیت است که اجحاف‌های فراوانی در این مالیات‌گیری‌ها اعمال می‌گردید، در مقاله حاضر سعی بر این بوده‌است که در بررسی انواع مالیات‌های عرفی، نقدی یا جنسی، شیوه‌های تبدیل و اخذ آن‌ها در فصول و زمان‌های موردنظر، از منابع معتبر بهره گرفته شوند. به هر رو باید اذعان داشت که تاکنون همه مالیات‌هایی که طبق عرف و سنت از توده‌های عشایری گرفته می‌شد در هیچ منبعی جمع‌آوری و پژوهش آن عملی نگردیده‌است تا برای ثبت در تاریخ‌های محلی مکتوب و یادگار ماند.

کلید واژگان: انسان‌شناسی اقتصادی، پول، عشایر، لرستان، مالیات، مبادله، مطالعات عشایری.

* عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

مقدمه

قوم کهن لر که در بیش از ۱۲۳۰۰۰ کیلومتر مربع (حدود ۷/۵ درصد) از پهنه کنونی ایران، در قلمرو مشترکی با وحدت جغرافیایی سکونت دارند، از سال ۳۰۰ ه.ق رسماً به دو قسمت «لر بزرگ» و «لر کوچک» تقسیم شدند. در طول تاریخ همیشه حکومت‌های محلی تابع حکومت مرکزی در مقاطع مختلف تاریخی، با اخذ مالیات در قلمرو سیاسی خود می‌توانستند به حیات خود ادامه دهند و شیوه‌هایی برای سهولت در اخذ مالیات مورد نظر ابداع می‌کردند برای نمونه:

در زمان صفویه به خاطر سهولت در جمع‌آوری مالیات کل منطقه بختیاری، پهنه این ایل را که از نظر جغرافیایی به دو قلمرو مستقل تقسیم می‌شد به دو قسمت «هفت لنگ» و «چهار لنگ» تقسیم کردند و این تقسیم‌بندی و شیوه جمع‌آوری مالیات در این دو منطقه تا پایان حکومت قاجار به همان روال اولیه باقی بود.

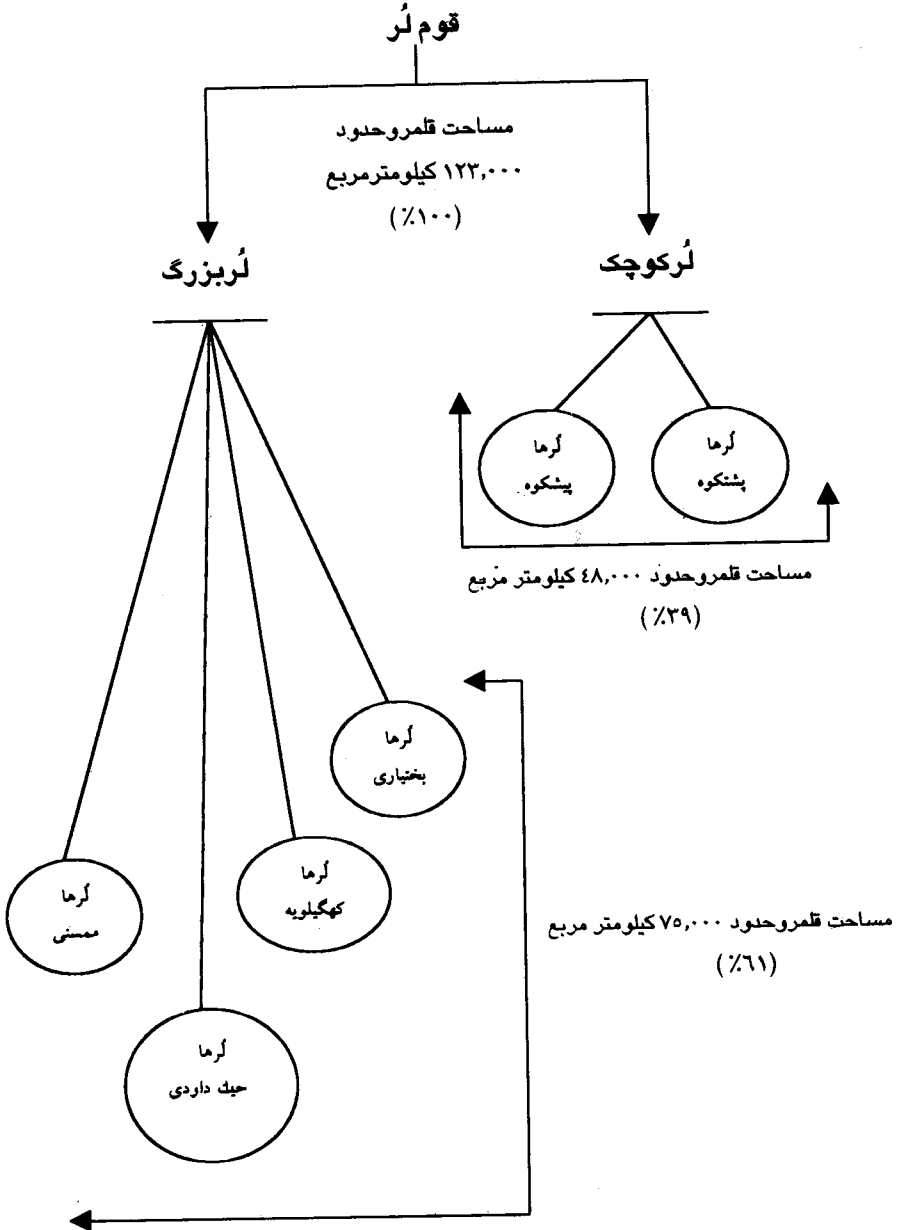
اصولاً تمامی عشایر ایران که ساختار سنتی اجتماعی آن‌ها بر اساس اقتصاد کوچ استوار بود، همه ساله بر اساس جدول مالیاتی تنظیم شده‌ای، مقدار سرانه مالیات خود را پرداخت می‌کردند و می‌توانستند به زندگی کوچندگی بر پایه اقتصاد دامداری سنتی خود ادامه دهند. در غیر این صورت این عشایر دچار قهر و غضب ماموران مالیاتی قرار می‌گرفتند و افراد آن‌قدر شکنجه می‌شدند تا مالیات سرانه خود را به صورت تعیین شده بپردازند. از این رو با خبر ورود ماموران مالیاتی سکنه عزادار می‌شدند و اغلب در غارهای کوهستان پنهان و یا در صدد فرار از منطقه بر می‌آمدند.

میرزا فتح گرمودی در سال ۱۲۶۰ ه.ق که مامور گرفتن مالیات از طوایف مختلف ممسنی بوده در گزارش خود چنین می‌نویسد:

«جمع طوایف ممسنی هم در گرمسیر قلیل زراعتی دارند و هم در بیلاق و سردسیر و همیشه زراعت گرمسیر برمی‌دارند بعد از آن به بیلاق و سردسیر می‌روند و لکن به مرتبه‌ای بی‌غیرت می‌باشند که آن قدر در گرمسیر و سردسیر زراعت نمی‌نمایند که آذوقه سالانه خود را کافی باشد و اکثر اوقات با بلوط و علف صحرا گذران می‌نمایند و شغل آنها از اعلی و ادنی شهنامه خواندن است و اطفالشان هم بعد از ختم قرآن شروع به خواندن شهنامه می‌نمایند و...»

«...ده نفر از این طوایف ممسنی به قدر یک تومان لباس ندارند. اکثر آن‌ها از مرد و زن لوط و عریان هستند، به مرتبه‌ای که آدم خجالت می‌کشد به سمت آن‌ها نگاه کند و لیکن زن‌های آن‌ها نه پرده دارند و نه حفاظ و مثل حیوانات وحشی هستند. به اعتقاد بنده اگر صد نفر در دزدی دستگیر شوند، ۹۹ نفر آن‌ها را بکشند و یک نفر خلاص شده فرار نماید باز به خانه خود نرسیده در عرض راه دزدی می‌نمایند و اگر در دزدی و چپاول کشته شوند باز ماندگان آن‌ها تفاخر می‌نمایند و اگر یکی در خانه خود بمیرد اقوام و منسوبان او غصه می‌خورند...» (گرمودی، ۱۳۴۷: ۱۰۱۲).

نمودار شمارهٔ ۱: تقسیمات منطقه‌ای قوم لر



حال که دورنمای زندگی اجتماعی طوایف مختلف ممسنی را از زبان مامور مالیاتی محمد شاه قاجار (پدر ناصرالدین شاه) در سال ۱۲۶۰ و ۱۲۶۱ ه. ق شنیدیم ببینیم نظر این مامور (گرمودی) درباره گرفتن مالیات چه بوده و چه نوشته است:

«... هرچه اهتمام رفت که بلکه از ریش سفیدان و کدخدایان [طایفه دشمن زیاری ممسنی] چند نفری را به دست آورده و قرار و مدار مالیات را بنماییم ممکن نشد. (...)

مدت چهار روز در آنجا متوقف و به هزار لطایف‌الحیل مالیات دو ساله آن طایفه را از «خان بابا خان» (پسر برادرخان) دریافت کرده و یک ثوب جبه ترمه (جامه بلند و گشاد ترمه که روی لباس‌های دیگر می‌پوشند) هم با یک ثوب (لباس) قبای دارایی به مشارالیه خلعت دادم و ...

(... اگر این طایفه را به کازرون به‌کوچانند و حاصل آن‌ها را از میان ببرند همین که خانه و زراعت از دست آن‌ها رفت و متفرق شدند، مالیات دو ساله طایفه دشمن زیاری [ممسنی] که به قدر هزار تومان است سوخت خواهد شد.

(... بهتر است مقرر دارند که آن‌ها در مکان خود سکنا داده شوند و حاصل زراعت را به خودشان واگذارند آن وقت مالیات دیوانی عیب نمی‌کند، باقیمانده طایفه دشمن زیاری معلوم است، آنقدر قوه ندارند که هم مالیات و هم سایر وجوه خود را بدهند و هم از عهده مالیات برآیند.

(... قاید غلام که کهنه مردی است از طایفه بکیش ممسنی و چشم‌های او را ولی‌خان [بکیش] کنده است قسم یاد می‌کرد که اکثر این الوار به علت بسی چیزئی از راه اضطرار دزدی می‌نمایند» (همان، ۱۰۰۰-۱۰۰۴).

وی درباره طایفه جاویدی ممسنی می‌نویسد:

«... (به حق خدا اشراف و عمال فارس در تشخیص جمیع این طوایف چنان ظلم بی‌حسابی کرده‌اند که در هیچ جای عالم نیست، دو هزار تومان در این مدت دو سال خود به خود به اسم این طوایف علاوه نوشته‌اند.»

درباره طایفه بابویی (یکی از ایل‌های کهگیلویه جنوبی به مرکزیت باشت)، در گفت و شنود میرزا فتح خان با "الله کرم‌خان" کلانتر بابویی، پسر شریف خان، می‌نویسد:

«هیچ طایفه‌ای [از طوایف بابویی] نیست که اقلاً ثلث آن فراری نباشند، مستوفیان فارس در حق ما ظلم فاحش می‌نمایند.

اولاً: به قدر سه هزار تومان مستمری داشتیم همه را خود به خود به مرور قطع کرده در وجه منسوبان و من تبع خودشان نوشتند.

ثانیاً: بدون حساب هیجده هزار تومان مالیات ما را بیست هزار و چهارصد تومان قلمداد کرده‌اند.

ثالثاً: از چهار هزار و دو بیست تومان سایر الوجوه هفتصد تومان رسد ما می‌شود، پنج هزار و پانصد تومان به اسم ما قلمداد کرده‌اند.» (همان، ۱۰۰۵-۱۰۱۹).

البته مالیات‌های فوق، مالیات سالیانه رسمی و مملکتی بود که جزء درآمدهای سالیانه کشور محسوب و در مقابل آن هزینه‌های مشخصی وجود داشت. این بود که دولت مرکزی به هروسیله ممکنه سعی در وصول آن می‌نمود و در صورت عدم پرداخت به جنگ و خونریزی مبادرت می‌شد. در سراسر مناطق عشایرنشین، دولت مرکزی چنین مالیات‌هایی را مطالبه می‌کرد و فهرست‌هایی از تعداد خانوار و مقدار مالیات در دست ماموران نیز بود. حال بینیم خان‌ها و سرپرستان طوایف چه نوع مالیات‌هایی از خانوارهای زیر پوشش قلمرو خود (ابوابجمعی) دریافت می‌داشتند؛ شیوه محاسبه آن‌ها چگونه بود و چگونه به وصول آن‌ها مبادرت می‌نمودند. در این جا لازم است در باره مفهوم این مالیات‌ها به گفته مرحوم اسکندر خان پورمحمدی در سال ۱۳۵۲ اشاره کنیم: «جمع‌آوری مالیات به طریقی فوق را در قدیم خراج می‌گفتند و بعداً این نام به «منال» تعویض گردید و از زمانی که ادارات دولتی به منطقه آمدند «بهره مالکانه» نام نهادند». (صفی نژاد، ۱۳۶۸: ۴۰۳)

انواع مالیات‌های سنتی

مالیاتی که همه ساله خان‌ها و سرپرستان از رده‌های مختلف عشایری می‌گرفتند و تا قبل از سال ۱۳۴۲ (سال اجرای قوانین اصلاحات ارضی) شاهد بروصول آن بودیم، دارای انواع مختلفی بود که می‌توان آن‌ها را به درآمدهای مستمر و غیرمستمر برای خان‌ها و سرپرستان تقسیم نمود. درآمدهای مستمر را می‌توان «کلان مالیات» یا «خراج و منال» نامید که در تاریخ ایران فراوان از آن سخن رفته‌است و گه‌گاه به جنگ‌ها و خونریزی‌های محلی منجر می‌گردید. توده‌های عشایری به مالیاتی که از آن‌ها گرفته می‌شد خراج و منال نام می‌دادند و در محافل خصوصی آن را بدین‌گونه تفسیر کردند که «بده و ناله مکن، منال».

درآمدهای غیرمستمر را می‌توان خرده مالیات نیز نامید. اساس مالیات مستمر از محصولات کشاورزی و دام بود که همه ساله در زمان معینی توسط ماموران رسمی خان دریافت می‌گردید. خرده مالیات (خرده درآمد) اگر هم استمرار داشت مقدار آن اندک و مقطعی بود؛ مانند گرفتن سورسات، شباش، دیدنی، روغن، هیزم و امثال آن.

مالیات فرآورده‌های کشاورزی

کشاورزی در عشایر کوچنده شکل محدود و خودکفا دارد. عشایر بیشتر به کشت گندم و جو مبادرت می‌ورزند و به طور متوسط سطح زیر کشت خانوارها از یک خیش فراتر نمی‌رود. در عشایر بویراحمد کهگیلویه، هر خیش زمین را برابر با چهاربار بذریاش محاسبه می‌نمایند که سه بار آن گندم و یک بار دیگر جو می‌باشد، این چهار بار از نظر وزنی در حدود ۴۱۰ کیلوگرم محسوب و در شرایط مطلوب در زمینی به وسعت حدود چهار هکتار بذریاش پاشیده می‌شود. به هنگامی که محصول آماده درو گردید بایستی نمایندگان خان در محل حاضر گردند. این

نمایندگان از یک نفر میرزا، دو نفر تفنگچی و کدخدای محل تشکیل می‌گردید، اینان با حضور در میان محصول مورد نظر به تخمین میزان کمی آن می‌پرداختند و در این محاسبه، به تخمین از گوشه‌های مختلف سطح زیر کشت نمونه برداری کرده و مشخص می‌داشتند که از بذر پاشیده شده یک تخم چند تخم برداشت خواهد شد. مثلاً اگر تخمین زده می‌شد که از یک تخم ۱۰ تخم از زمین آبی برداشت می‌گردد، بنا براین از هر خیش زمین که ۴۱۰ کیلوگرم بذر پاش داشته حدود ۴۱۰۰ کیلوگرم برداشت خواهد شد و هنگامی که این مقدار برداشت پس از چانه‌زدن‌ها مورد تأیید طرفین قرار می‌گرفت، آن وقت ۲۷٪ از کل محصول برداشت شده را که قبلاً تخمین زده شده بود، بایستی رسماً بابت مالیات بپردازند و این مقدار مالیات بین نمایندگان خان به نسبت زیر تقسیم می‌گردید:

میرزا	۲٪
دونفر تفنگچی	۲٪ (هر کدام ۱٪)
کدخدای دوستا	۵٪
سهم خان	۱۸٪

جمع ۲۷٪

از ۱۸٪ گندم و یا هر محصول دیگری که به انبار خان برده می‌شد سهم دولت مرکزی نیز بر اساس قرار داد بین طرفین داده می‌شد و این نوع مالیات گرفتن مورد تأیید حکومت مرکزی نیز بود و تا قبل از اصلاحات ارضی نیز در عشایر کوچنده متداول و رسمیت داشت و کشاورزان خود را کشت‌کاران شخص خان محسوب داشتند.

در پشتکوه لر کوچک مالکان زمین‌های آبی و دیمی از کشت‌کاران بهره مالکانه دریافت می‌داشتند. شیوه دریافت بدین ترتیب بود که: در زمین‌های آبی از کل محصول بدست آمده، ۵۰٪ به مالک تعلق می‌گرفت (بابت آب و زمین) و ۵۰٪ به دهقانان، بابت بذر، نیروی کار و شخم، زیرا معتقد بودند آب و زمین در قلمرو عشایری متعلق به مالک یعنی خان می‌باشد. در زمین‌های دیمی کل محصول برداشت شده را به سه قسمت تقسیم می‌نمودند: دوسوم سهم دهقانان بابت بذر، نیروی کار و نیروی شخم و یک‌سوم باقیمانده از بابت زمین به مالک تعلق می‌گرفت. شیوه اجرا همانند محصولات آبی تخمین زده شده و پس از آن، دهقانان مجاز به تقسیم بودند.

مالیات بر دام

اصولاً در عشایر ایران دامداری سنتی بر پایه نگهداری و پرورش گوسفند و بز انجام می‌پذیرد. عشایر ساکن مناطق صعب‌العبور کوهستانی بیشتر به نگهداری بز تمایل نشان می‌دهند و عشایر ساکن مناطق کمتر کوهستانی و جلگه‌ای و فلاتی، بیشتر به پرورش میش راغب هستند، زیرا بز

به آسانی از کوه‌ها بالا می‌رود و در مقابل رویدادهای آب و هوایی مقاوم‌تر از میش است. عشایر تهی‌دست بیشتر بز نگهداری می‌کنند و عشایر مرفه بیشتر میش، زیرا بز بیشتر از میش شیر می‌دهد ولی کیفیت شیر میش به مراتب بهتر از شیر بز است. اگر به ترکیب گله در عشایر کل ایران نظری بیفکنیم و به محاسبه آن پردازیم مشاهده می‌کنیم که حدود ۶۰٪ از کل دام‌های کوچک عشایر را میش و بره و ۴۰٪ بقیه آن را بز و بزغاله تشکیل می‌دهد^۱ (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۷: ۹۳-۱۱۹-۱۲۱-۱۴۳).

در عشایر لر بزرگ مالیات بر دام را «شاخ شماری» و «گله بگیری» و در عشایر لر کوچک «مال شماری» می‌گفتند. این نوع مالیات از دام عشایر گرفته می‌شد بدین ترتیب که دام عشایر در سردسیر از کم و کیف خوب علوفه برخوردار بود. زایمان دام‌ها هم در اواخر زمستان و اوایل بهار متداول است. در سردسیر کم و کیف گله محسوس بود و به هنگام مراجعت به گرمسیر در مهرماه گرفتن مالیات از دام به مرحله اجرا در می‌آمد. بدین ترتیب که کوچندگان طوایف مختلف مجبور بودند که از تنگه‌های کوهستانی عبور نمایند، در این تنگه‌ها ماموران مسلح خان، کدخدایان و ذی‌نفوذان طایفه ایستاده و گله بایستی از میان صف ایشان عبور نماید، در این محل نماینده خان (فردی از عمده‌های خان) با چوب‌دستی بزرگی که در دست داشت به شمارش گوسفندان با زدن چوب به روی شاخ آن‌ها پرداخته و با شمارش کردن ۹۸ گوسفند، گوسفندان شماره ۹۹ و ۱۰۰ را برای مالیات از گله جدا کرده و به محل تجمع دام‌های مالیاتی می‌برد. معمولاً از گله‌های کمتر از ۵۰ راس مالیات گرفته نمی‌شد و چند گوسفند بالاتر از ۱۰۰ راس نیز از مالیات معاف می‌شدند و در این جا گذشت و بذل و بخشش در حضور خان نیز متداول بود.

قسمت اعظم دام عشایر را گوسفند و بز تشکیل می‌داد ولی عشایر کوچنده حتماً تعدادی گاو، خر، اسب، مادبان و یا قاطر در مالکیت خود داشتند و به هنگام شمارش این دام‌های بزرگ‌جثه و درشت‌استخوان را طبق قوانین عرفی، محل شمارش و آن‌ها را به دام کوچک تبدیل و در جایگاه شاخ‌شماری از آن‌ها مالیات نیز گرفته می‌شد، شیوه رایج تبدیل عرفی این دام‌ها در عشایر بختیاری چنین بود:

هر راس اسب، قاطر و مادبان برابر بود با	۲۰ گوسفند
هر راس گاو و خر برابر بود با	۵ گوسفند
هر راس گوسفند و یا بز برابر بود با	۱ گوسفند

البته در این شمارش و مالیات‌گیری قوانینی وجود داشت که از مقدار مالیات می‌کاست مثلاً در قشقای‌ها شتری که از چنین جایگاهی می‌گذشت، اگر کسی سوار بر آن بود، از مالیات معاف می‌گردید ولی در لر کوچک این برابری به شرح زیر صورت می‌گرفت:

^۱ مرکز آمار ایران، از حدود ۲۱,۲۸۸,۰۰۰ کل گوسفند و بز عشایر حدود ۱۲,۷۵۸,۰۰۰ راس را میش و حدود ۸,۵۳۰,۰۰۰ راس بقیه آن را بز ذکر کرده است.

هر رأس گوسفند یا بز برابر بود با	۲ شاخ
هر گاو نر یا ماده برابر بود با	۴ شاخ
هر خمر برابر بود با	۳ شاخ
هر اسب، مادیان و یا قاطر برابر بود با	۴ شاخ

بدین ترتیب کل دام خانوارها را شمارش و تبدیل به شاخ نموده و در ازاء هر ۲۰ تا ۳۰ شاخ دام یک تومان می‌گرفتند. البته کمتر از ۱۰ رأس دام شامل بخشودگی می‌گردید. مثلاً، از ۱۴۷ شاخ، مالیات فقط شامل ۱۴۰ شاخ آن می‌گردید. ولی اگر شمارش شاخ‌ها به ۱۵۰ می‌رسید بایستی مالیات کامل ۱۵۰ شاخ را می‌دادند.

تش شماری

واژه تش برگرفته شده از آتش است. نزدیک درب هرسیاه چادر عشایری چاله‌ای کنده می‌شد که به هنگام سرما درون آن آتش روشن نموده و اعضای خانوار به دور آن می‌نشیند (همانند چاله کرسی) معمولاً خانوارهای عشایری با تاریک شدن هوا به بستر خواب می‌روند و در مقابل صبح خیلی زود روز بعد از خواب برمی‌خیزند، اگر گاهی به مناسبتی خانواری در سیاه چادر خود به روشن کردن آتش توسط هیزم و یا مدفوع خشک دام می‌پرداخت و در پناه آتش روشن شده فضای سیاه چادر را روشن نموده و به صحبت خانوادگی می‌پرداختند بایستی مالیات روشنایی می‌پرداختند. توده‌های عشایری یارای پرداخت مالیات روشنایی را نداشتند تا شب‌ها به روشن کردن تش بپردازند ولی گروهی از سرپرستان و فرماندهان عشایری که از تصمیم گیرندگان طوایف بودند لازم بود که ضمن بیدار ماندن از طلایه‌ها (مرزهای) طایفه خود مراقبت به عمل آورند، اینان بایستی اجاق یا تش خود را روشن نگه می‌داشتند و از نظر پرداخت مالیات قادر به روشن نگه داشتن تش خود نیز بوده و مشمول پرداخت مالیات نیز می‌شدند زیرا به خاطر روشن بودن تش در شب بایستی مالیات تش را می‌پرداختند. مقدار این مالیات به ازاء روشن بودن هر تشی (اجاقی) سالیانه یک تا دو تومان بود که به صورت جنسی محاسبه و یک رأس گوسفند می‌دادند. (هاشمی، ۵۷-۱۳۵۶)

گاو معافی

در عشایر رسم چنین بود که برخی از خانوارها به مناسبت‌هایی از دادن مالیات معاف می‌شدند. پیرمردان، شخصیت‌ها، معلمان، خدمات رسان‌ها و خانوارهایی که سرپرست خود را در جنگ‌های محلی از دست داده بودند، از این قبیل بودند. مردانی که در جنگ کشته می‌شدند خانوار آن‌ها در صدر معاف شدن از مالیات قرار داشتند. در پایان جنگ سرپرست ایل فهرستی از کشته‌شدگان تهیه می‌کرد و برای همه آن‌ها گواهی معافیت از مالیات صادر می‌نمود. به این گواهی نامه کتبی «گاو معافی» می‌گفتند. گاو معافی دستخط خان و یا نوشته‌ای از خانواده و یا

سرپرستان ایلی بود که در کاغذ معمولی نوشته و خان یا سرپرست آن را مهر و یا امضاء می‌نمود. در سند گاو معافی کشته‌شدگان در جنگ چنین نوشته می‌شد: «... چون در راه خدمت به طایفه خود در جنگ... کشته شده، خانواده او مشمول گاو معافی می‌گردد، لعنت خدا و نفرین رسول بر کسی باد که تا زمانی که خانی در خانواده ما بر جا است از این خانوار مالیات دریافت نماید.»

گاو معافی بیشتر در برداشت محصولات کشاورزی کاربرد داشت زیرا هنگامی که ماموران خان برای دریافت ۲۷٪ مالیات در مزرعه محصول قابل برداشت حاضر می‌شدند، خانواده‌های گاو معافی دار دست‌خط گاو معافی را نشان داده و ازدادن مالیات معاف می‌شدند. در سوق مرکز طیبی گرمسیری و اطراف که حدود ۲۲۰ خیش زمین همه ساله به زیر کشت می‌رفت ۵۰ خیش آن (۲۳٪) دارای گاو معافی بودند و از ۱۷۰ خیش زمین (۷۷٪) همه ساله بهره مالکانه دریافت می‌گردید. گاو معافی‌های طیبی به دو دسته تقسیم می‌شدند: دسته‌ای که کاملاً از دادن بهره مالکانه معاف بودند و دسته‌ای که برای هر پنج خیش زمین در هر سال بایستی دو عدد بره یا بزغاله بدهند. (صفی‌نژاد، ۱۳۶۸: ۳۹۹-۴۰۲ و ۷۲۰)

در لرکوچک گاو معافی را «مال معاف» می‌نامیدند و گاهی رده‌ای از ایل به طور کلی از دادن مالیات معاف بود. این رده‌ها در ایل کرد پشتکوه ۱۷ رده بودند که مشمول مال معافی می‌شدند. (خیتال، ۱۳۶۹: ۵-۲۱۴)

مالیات پاییزه

خان دلفان پیشکوه لرکوچک همه ساله پس از برداشت محصولات کشاورزی، سران طوایف مختلف دلفان و تیره‌های وابسته قلمرو خود را در محل مخصوص خان‌نشین دعوت نموده، ضمن گفتگو با آن‌ها در باره وضع کشت و برداشت، مراتع و دام و به طور کلی وضع اقتصاد منطقه، مقدار برداشت و مالیات خانوارهای هر طایفه را مشخص می‌نمود.

سران هر طایفه در همان جلسه میزان مالیات هر تیره را مشخص و به توشمال‌ها (سران تیره) اطلاع می‌دادند که در آن سال هر تیره بایستی چقدر مالیات بدهد. توشمال‌ها نیز کدخدایان را جمع نموده و مشخص می‌نمودند که هر «هوز» (رده بعد از تیره، اولاد در لریزرگ) بایستی چقدر مالیات نقدی، جنسی و دامی بپردازند، بدین ترتیب از رده‌های بالای ایل تا سطح خانوارها همه از مقدار مالیات آن سال با اطلاع می‌شدند و آن‌را به صورت نقدی و جنسی پرداخت می‌کردند.

البته مقدار مالیات خانوارها از سالی به سال دیگر متغیر بود و به خشک‌سالی و ترسالی و سوانح طبیعی بستگی داشت (ابراهیم‌پور، ۱۳۶۵).

چنین مالیات پاییزه‌ای در بویراحمد نیز وجود داشت مثلاً رسم بر این بود که خان سی سخت در پائیز هر سال برای خرید به شهر می‌رفت قبل از شروع سفر کدخدای هر ده با ریش سفیدان به مشورت نشسته، فهرستی از زارعان هر ده تهیه نموده و هر زارعی نسبت به

فراخور حال خود بایستی مبلغ ۱۰۰ تا ۵۰۰ تومان نقداً پرداخت می‌کرد تا هزینه خان و همراهان در شهر تامین شده و خریدی به صورت سوغاتی نیز انجام می‌گرفت. (صفی‌نژاد، ۱۳۶۸: ۳۶۹) و محلیان چنین مالیات پاییزه‌ای را نیز برای خان طیبی تعریف می‌کردند.

پیشکش

دردوران قاجار والی پیشکوه از قلمرو حکومتی خود همه ساله نوعی مالیات به عنوان پیشکش دریافت می‌داشت. سکنه ملزم بودند که به هنگام جشن‌ها، اعیاد و سوگواری‌ها پیشکش بپردازند. یکی از این پیشکش‌ها پولی بود که فرمانروایان رده‌های بالای ایل که تابع والی بودند در هر سال یکی دو بار برای رضایت والی از افراد جمع‌آوری کرده و برای والی می‌بردند و در ضیافتی که او به همین منظور برپا می‌کرد، پیشکش‌ها را به وی اهداء می‌نمودند. این پیشکش‌ها از نظر کمیت بسیار قابل توجه بود. اگر افراد و یا رده‌های عشایری تابع والی به مناسبتی از دادن پیشکش سرباز می‌زدند بایستی منتظر عقوبت کار خود باشند، زیرا با تصمیم والی ایلات همسایه که رابطه حسنه‌ای با والی داشتند به ایل خاطی حمله کرده و اموال و احشام آن‌ها را به غارت می‌بردند.

مقدار این پیشکش مالیاتی از ایل ۱۸,۰۰۰ خانواری بیرانوند که در دوران قاجار به والی اهداء می‌گردید عبارت بود از:

۱۸,۰۰۰ تومان	- پول نقره
۱۰۰ رأس	- قاطر
۱ نفر	- دختر

پیشکش ایل سگوند در همان زمان عبارت بود از:

۱۰,۰۰۰ تومان	- پول نقره
۵۰ رأس	- قاطر

در لر بزرگ خانوارهای عشایری برای خان خود گه‌گاه به مناسبت‌هایی دیدنی‌هایی می‌بردند که مفهوم پیشکش را در برداشت. به هنگام کوچ به سردسیر و یا گرمسیر و به هنگام عید نوروز، این دیدنی‌ها اغلب دسته‌جمعی و عبارت بود از گاو، گوسفند، اسب، بره، بزغاله و گاهی هم فرآورده‌های لبنی و نیازهای زندگی.

مالیات تیولی

مالیات تیولی مالیاتی سالانه بود که والی در ازای واگذاری قطعه زمینی به بعضی از اشخاص مورد نظر به عنوان تیول، دریافت می‌نمود. شخص والی در پشتکوه لرستان و نواحی مرزی

درون خاک عراق، دارای تیول فراوانی بود، این نوع مالیات در محل به «حق تیولی» معروف بود و از تیولداران همه ساله به دو صورت گرفته می‌شد:

- ۱- حق تیولی دامی به صورت شاخ‌شماری
- ۲- حق تیولی زراعی به صورت مالیات مشخص سالیانه

حدود نیمی از مالیات تیولی به مامور یا ماموران جمع‌کننده مالیات تعلق می‌گرفت زیرا اینان حقوقی از والی دریافت نمی‌داشتند.

حق علفچر

قلمرو پشتکوه لرستان منطقه‌ای است گرمسیری که همه ساله رده‌های مختلفی از عشایر مناطق دیگر که بنابر عرف در آنجا حق علفچر داشتند، برای چرای گرمسیری فصل‌های پاییز و زمستان به منطقه آمده و برای استقرار و بهره‌گیری از علوفه‌های طبیعی، به نماینده والی مالیات می‌پرداختند، میزان این مالیات بستگی به تعداد دام و مدت چرای دام در منطقه داشت که می‌توان آن را «حق علفچر روز دام» نامید.

بیگاری

در قلمرو لر کوچک همه ساله اطرافیان والی که بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ خانوار بودند به همراه والی در اراضی و املاک شخص والی به کوچ مبادرت می‌کردند و به همراه آن‌ها حدود ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ نیروی نظامی و چریک‌های محلی حرکت می‌کردند. سکنه و وظیفه داشتند در هر جابه‌جایی با چهارپایان خود شرکت نموده و در مواقعی که والی و همراهان نیاز به کمک انسانی داشتند آن‌ها را یاری دهند. سرپرستان این کمک‌ها را وظیفه افراد تحت ابوابجمعی خود می‌دانستند و هیچ پاداشی به آن‌ها تعلق نمی‌گرفت ولی کمک نکردن دارای عقوبت‌هایی نیز بود. (هاشمی، همان)

در سی‌سخت بویراحمد در لر بزرگ نیز چنین بیگاری‌هایی متداول بود ولی شیوه بیگاری بدین شکل بود که هر سرپرست خانوار وظیفه داشت که در طول هر سال سه‌روز برای خان و به دستور او بیگاری دهد. هرروز این بیگاری به شرح زیر رسمیت یافته بود:

- ۱- یک روز در سال جهت جمع‌آوری علوفه زمستانی؛
- ۲- یک روز در سال جهت درو کردن گندم و جو؛
- ۳- یک روز در سال جهت درو کردن شبدر.

البته هر زمانی که خان نیاز به وصول نوعی منال داشت به دستور خان، سلیمانی محل در کوچه‌های ده و یا در روی پشت بامی به جاززدن می‌پرداخت و تصمیم خان را به اطلاع

عموم می‌رسانید و فردای آن روز افراد موظف بودند دستورات خان را به اجرا در آورند. (صفی‌نژاد، همان: ۳۹۷)

به طور کلی خان‌ها برای ساختن هر امکنة‌ای از افراد قلمرو نفوذ خود بیگاری می‌کشیدند و عمده مورد نیاز را روی طوایف ضعیف تقسیم می‌کردند و به طور رایگان ساختمان مورد نظر خود را به پایان می‌بردند.

عیدی دادن

در قلمرو لرکوچک پشتکوه دادن عیدی به والی متداول بود، توده‌های عشایری که به دیدن والی و یا ماموران او می‌رفتند بایستی به نسبت پول نقد، دام، فرش و امثال آن را تقدیم نمایند. اگر کسی از دادن عیدی خودداری می‌کرد به شیوه‌ای اسباب آزار و اذیت او را فراهم می‌آوردند. (هاشمی، همان)

در سی سخت بویراحمد هم عیدی دادن به خان متداول بود زیرا همه ساله سرپرستان خانوار که تحت ابوابجمعی خان سی سخت بودند در روز عید نوروز جمع شده دست‌جمعی چیزی می‌خریدند و به عنوان سوغات به منزل وی می‌بردند. این سوغاتی عبارت بود از: قند، برنج و یا گوسفند ولی کسانی که خود را به خان نزدیک‌تر می‌دانستند به‌طور جداگانه برایش سوغات می‌بردند. (صفی‌نژاد، همان)

خرده مالیات

علاوه بر مالیات‌های فوق، خان‌ها به عناوین مختلف از خانوارهای تحت سرپرستی خود مالیات دریافت می‌داشتند مانند منال‌های زیر:

- ۱- عروسی (به هنگام عروسی، یک گوسفند)؛
- ۲- روغنی (هر خانوار سالی یک حلب بهترین روغن حیوانی)؛
- ۳- عسلی (مالیات عسلی در تابستان از مناطق عسل‌خیز)؛
- ۴- هیزمی (سالی یک بار هیزم خشک برای آشپزخانه خان توسط هر خانوار)؛
- ۵- سورشات (جمع‌آوری نیازهای غذایی هنگامی که برای خان میهمان می‌رسید)؛
- ۶- شباش (بررسی دارایی خانوارهای مرفه و گرفتن پول نقد).

البته نوع این مالیات‌ها در مناطق مختلف عشایری همانند نبود و سرپرستان هرطور که صلاح می‌دیدند مالیات می‌گرفتند. علاوه بر همه این‌ها حکومت هم برای خود مالیات‌های دیگری می‌گرفت زیرا سرداراسعد بختیاری در تاریخ بختیاری خود می‌نویسد:

«دیوان برحسب توان مالی خانوارها از آن‌ها مالیات می‌گیرد، جمع‌آوری این مالیات‌ها باید با صواب‌دید و موافقت سرپرست طایفه و یا ماموران او انجام گیرد و این مالیات که مقدار زیادی هم نیست سالیانه چنین اخذ می‌گردد:

- ۱- مالیات شیر از گاو شیرده ۳۰۰ دینار (هرهزار دینار برابر با یک قران)
 - ۲- مادیانی که برای گُره گرفتن است ۱۰۰۰ دینار (یک قران)
 - ۳- خمر ۲۰۰ دینار (۰/۲ قران)
 - ۴- شتر ۳۰۰ دینار (۰/۳ قران)
 - ۵- گوسفند ۷۰۰ دینار (۰/۷ قران)
- (سردار اسعد، ۱۳۶۲: ۵-۴۳۴)

نتیجه‌گیری

سرپرستان خانوارهای عشایر کوچنده هم‌مانند روستائیان و شهروندان رسماً مالیات سالیانه می‌پرداختند، اساس اخذ این مالیات بر اقتصاد غالب آن‌ها یعنی دامداری استوار بود ولی از مختصر زراعت آن‌ها نیز مالیات دریافت می‌گردید. علاوه بر این دو نوع مالیات، پاره‌ای مالیات‌های دیگر که زمان پرداخت آن مشخص بود از آن‌ها اخذ می‌گردید مانند بیگاری، عیدی دادن به سرپرستان، اهداء و پیشکش‌هایی از فرآورده‌های محلی مانند روغن، عسل، هیزم و... علاوه بر تمام این‌ها توده‌های عشایری یک نوع مالیات مقطعی نیز می‌پرداختند که زمان مشخصی نداشت، بلکه نسبت به رخدادهای محلی پرداخت می‌شد که در متن مقاله متذکر شده‌ام.

تمام این قبیل مالیات‌ها جنبه بیعت عشایر با سرپرستان خود را داشت و این خود بر استحکام سلسله پیوستگی‌ها می‌افزود و در مقابل چه در سردسیر و چه در گرمسیر رده‌های فرماندهی عشایری با تمام قوا از توده‌های عشایری حوزه نفوذ خود (ابوابجمعی) به سختی دفاع می‌کردند حتی اگر این دفاع به جنگ تمام عیار منجر می‌شد.

منابع

- ابراهیم‌پور، ملک‌میرزا، ۱۳۶۵، دامداری در روستای داربید، [لرستان، لرکوچک] کارعلمی دانشجویی، (دست‌نویس)، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- خیتال، جعفر، ۱۳۶۹، مجموع آراء در باره ساکنین سرزمین پشتکوه ایلام، ایلام، کتابخانه اسماعیلی.

-
- سردار اسعد، علیقلی خان بختیاری، ۱۳۶۲، تاریخ بختیاری، رحلی، سنگی، تهران، چاپ افست یساولی (فرهنگسرا).
 - صفی‌نژاد، جواد، ۱۳۶۸، عشایر مرکزی ایران، تهران، امیرکبیر.
 - گرمرودی، میرزا فتاح خان، ۱۳۴۷، سفرنامه ممسنی، به کوشش فتح‌الدین فتاحی، تهران، مستوفی.
 - مرکز آمار ایران، ۱۳۷۷، سرشماری اجتماعی و اقتصادی عشایر کوچنده، نتایج کل کشور، تهران.
 - هاشمی، علی‌اکبر، ۱۳۵۶-۵۷، بررسی اجتماعی و اقتصادی ایلام و پشتکوه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ماشین شده، قطع A4، ۲۳۴ ص.